

تحولات جامعه ایران منجر به تغییرات مهمی در شکل روابط پیش از ازدواج در بین جوانان شده است. مطالعات پیشین نشان داده‌اند، این روابط اگر با افراد متعدد یا به‌طور پیشرفته باشد، تأثیر نامطلوبی بر کیفیت رابطه بعدی فرد خواهد داشت. اما اگر به‌عنوان مسیری برای رسیدن به ازدواج انتخاب شود و با نظارت خانواده و جامعه باشد باعث ارتقاء کیفیت انتخاب فرد می‌شود. بر این اساس در این پژوهش قصد بررسی رابطه میان سطوح روابط پیش از ازدواج با میزان سازگاری زوجین را داریم. با توجه به نقش تعیین‌کننده خانواده در گفتمان جامعه ایرانی در این بررسی، نگرش والدین به رابطه پیش از ازدواج و ازدواج فرزندان نیز مورد مطالعه قرار گرفت. برای جمع‌آوری گروه نمونه از روش در دسترس و گلوله برفی استفاده شد و از افراد خواسته شد علاوه بر سطح ارتباط خود، آزمون سازگاری زناشویی را تکمیل کنند. نتایج این بررسی نشان داد، سازگاری زناشویی افرادی که پیش از ازدواج رابطه‌ای نداشتند و یا روابط محدودی داشته‌اند بیش از افراد با روابط پیشرفته و متعدد است. توافق والدین با ازدواج نیز باعث افزایش میزان سازگاری زناشویی است.

■ واژگان کلیدی:

رابطه پیش از ازدواج، نگرش والدین، سازگاری زناشویی

## رابطه میان سطوح متفاوت روابط پیش از ازدواج و نگرش والدین به آن با میزان سازگاری زناشویی زوجین

سعاده ملک‌عسگر

کارشناس ارشد خانواده درمانی دانشگاه شهید بهشتی  
saade.malekasgar@gmail.com

محمدعلی مظاهری

استاد دانشگاه شهید بهشتی تهران  
m-mazaheri@sbu.ac.ir

منصوره‌السادات صادقی

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی تهران  
m\_sadeghi@sbu.ac.ir

## مقدمه

ازدواج شیوه اجتماعی، مشروع و متعالی رابطه صمیمانه میان زن و مرد در بیشتر جوامع است. در بسیاری از موارد، ازدواج اولین تجربه صمیمی فرد با جنس مخالف نیست. تجربیات قبلی افراد که در پیوستاری از رابطه عاطفی محدود تا هم‌خانگی<sup>۱</sup> قرار می‌گیرند، تأثیرات به‌سزایی بر میزان رضایت افراد از زندگی‌شان دارد. سطوح تعاملات قبل از ازدواج به‌صورت بارز، زوجینی را که در آینده عملکرد خوبی دارند از دیگران متمایز می‌سازد. زوج‌هایی که دارای الگوهای تعاملی قبل از ازدواج درستی نیستند، به‌ویژه آنهایی که با ناتوانی، عقب‌نشینی و عواطف منفی وارد رابطه می‌شوند، با شکست‌های متعدد روبرو می‌شوند و بیشتر در خطر اختلافات زناشویی هستند. (فورز<sup>۲</sup> و دیگران، ۱۹۹۶: ۱۱۹-۱۰۳)

رابطه با جنس مخالف و قرارهای عاشقانه که یکی از این روابط بین فردی است می‌تواند یکی از تجربه‌های پیچیده دوران نوجوانی و جوانی باشد. (مظاهری و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۲-۵۵) هدف از ارتباط با جنس مخالف برآوردن تمام نیازهای ممکن در آن رابطه، اعم از نیازهای جنسی، عاطفی، دوست‌داشتن و دوست‌داشته شدن، نیاز به احترام و نظایر آن است. نیازهای اساسی منشأ زیستی دارند و در همه انسان‌ها در همه دوران‌ها و فرهنگ‌ها دیده می‌شوند. نیازها، انگیزه تولید می‌کنند و انگیزه هم رفتار و رابطه اجتماعی را بازتولید می‌کند. اما پدیده دیگری که در روابط اجتماعی مهم است و به آن جهت می‌دهد فرهنگ است. فرهنگ یعنی شیوه و سبک زندگی در یک جامعه خاص. (گیدنز، ۱۳۷۷، به‌نقل از آزادارمکی، ۱۳۹۰: ۴۶۳-۴۳۵) رابطه صمیمی با جنس مخالف یک نیاز است و ازدواج و فرهنگ مشخص‌کننده و تعیین‌کننده چگونگی رفع این نیاز است (مرتون، ۱۹۵۷، به‌نقل از آزادارمکی، ۱۳۹۰: ۴۶۳-۴۳۵) و به فراخور الزامات هر فرهنگ، این نیاز به‌شیوه و در چهارچوبی خاص ارضاء می‌شود. بررسی‌ها در فرهنگ‌های مغرب زمین نشان داده‌اند که اگر این روابط در سنین جوانی، به‌طور هدفمند و محدود به همسر باشد، آسیب‌زا نیستند و بخشی از فرآیند ازدواج به‌حساب می‌آیند. تنها در صورتی که متعدد و با افراد مختلف باشند و منجر به بارداری و ازدواج اجباری شوند با کاهش رضایت زناشویی و بالا رفتن میزان جدایی ارتباط دارند. (تچمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۴۵۵-۴۴۴ و هویت<sup>۴</sup> و دیگران، ۲۰۰۹:

۱۰۲

1. Cohabitation
2. Fowers
3. Teachman
4. Hewitt

۳۶۱-۳۳۵) در عین حال در برخی مطالعات، به مشکلاتی چون اختلالات هیجانی و عاطفی به‌ویژه در افرادی که روابط کوتاه‌مدت و گذرای برقرار کرده‌اند، تحریف هویت، بروز حسادت، گرایش به مصرف الکل و مواد مخدر، افت تحصیلی، بارداری ناخواسته، تجاوزهای جنسی و وادار شدن به ازدواج‌های زودهنگام، ارتکاب بزهکاری و اختلال‌های رفتاری و نیز درگیری‌های خانوادگی، در این نوع روابط اشاره شده است. (جیمز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲؛ وونک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳؛ واتا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴، همه به‌نقل از صادقی و مظاهری، ۱۳۹۲: ۹۳-۷۱)

در مطالعاتی که به بررسی تأثیر روابط پیش از ازدواج بر میزان رضایت‌زناشویی افراد پرداخته‌اند به دو فرایند توجه شده است؛ ابتدا تأثیر علی روابط قبل از ازدواج و دیگری تأثیر انتخابی. تأثیر علی، خصوصیات افرادی را که وارد این روابط می‌شوند مورد توجه قرار می‌دهد. برخی صفات شخصیتی می‌تواند سهم به‌سزایی در الگوی رفتارهای پرخطر جنسی داشته باشد. سطوح پایین پذیرا بودن و مسئولیت‌پذیری، نمرات بالا در روان‌رنجورخویی، نمرات کم در بعد دلپذیر و باوجدان بودن، میزان انعطاف‌پذیری پایین با رفتار پرخطر جنسی ارتباط دارد. (بیرامی و اسمعیلی، ۱۳۸۹: ۲۲۰-۲۱۵)

از سویی دیگر، روابط جنسی قبل از ازدواج باعث تغییر نگرش‌ها و پیش‌فرض‌های افراد در مورد ازدواج، طلاق و روابط خارج از ازدواج می‌شود. این تغییر نگرش به‌شکلی است که میزان مشکلات زناشویی و احتمال طلاق را در آنها بالا می‌برد. در عین حال افرادی که وارد این روابط می‌شوند فارغ از پیامدهایی که این روابط بر آنها خواهد داشت در مجموع افرادی هستند با استانداردها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی متفاوت با جامعه و گاه خانواده، مهارت‌های ارتباطی ضعیف‌تر، احساس عدم اطمینان به آینده و دارای روابط سرد و نامناسب با خانواده. (برون<sup>۴</sup> و دیگران، ۲۰۰۶: ۴۷۰-۴۵۴ و تاج و هالپرن<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲: ۵۸۵-۵۷۱)

تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی جوامع و ارزش‌های درونی شده آنها عامل تعیین‌کننده دیگری است که بر پذیرش و یا رد این‌گونه روابط و چگونگی پیامدهای آن تأثیر به‌سزایی دارد. (صادقی و مظاهری، ۱۳۹۲: ۹۳-۷۱)

1. Jeyms
2. Vovonk
3. Vata
4. Brown
5. Tach & Halpern

در مطالعه هویت و واس<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) که به بررسی رابطه میان روابط قبل از ازدواج (به شکل هم‌خانگی) با جدایی در استرالیا در میان نتایج به‌دست آمده از مطالعات در طی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۰ پرداخته‌اند، مشخص شد که با گذشت زمان این رابطه تغییر یافته است. نتایج این فراتحلیل مشخص ساخت که در زمانی که این روابط از لحاظ اجتماعی ناسازگار و مخرب تلقی می‌شدند، رابطه قوی با میزان جدایی و مشکلات زناشویی داشتند. در مطالعات بعدی که با بالارفتن میزان بروز این پدیده، عادی‌شدن و سازگاری با آن هم‌زمان بود این رابطه کم‌رنگ شده است. (نازیو و بلاسفلد<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۸۲-۴۷) این پژوهشگران دلیل این تغییرات را تا حدی در عادی‌شدن این روابط می‌دانند. آنها معتقدند به‌موازات گسترش بروز روابط پیش از ازدواج، دیگر تنها افراد خاص با خصوصیات خاص وارد این روابط نمی‌شوند. جامعه از این روابط مطلع است و فشار اجتماعی کاهش می‌یابد. در واقع می‌توان گفت تأثیر خصوصیات افراد تا حدی در جوامع توسعه‌یافته کم‌رنگ شده است. در مطالعه‌ای مشابه در سال ۲۰۰۶ ونگر و برند<sup>۳</sup> به بررسی رابطه میان هم‌خانگی و جدایی، در میان فرهنگ‌های مختلف پرداختند. در این بررسی نیز، قوی‌ترین رابطه در کشورهایی دیده می‌شد که در آن هم‌خانگی رفتاری منحرف تلقی می‌شد و تعداد محدودی از افراد به آن مبادرت می‌ورزیدند. با بیشتر شدن تعداد بروز و تغییر نگرش جامعه این رابطه کمتر می‌شد. (ونگر و ویب<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶: ۵۰۰-۴۸۳)

ازسویی دیگر نتایج تعدادی از مطالعات بازگوکننده این یافته است که با وجود پذیرفته شدن روابط پیش از ازدواج در جوامع غربی، همچنان روابط پیش از ازدواج با سطوح پایین‌تر رضایت زناشویی و خطر بالای طلاق رابطه نزدیکی دارد. (منینگ و کوهن<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲: ۳۷۷-۳۸۷؛ جوز<sup>۶</sup> و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۱۶-۱۰۵ و نازیو، ۲۰۰۸) در مطالعات دو دهه اخیر در کشورهای مختلف گزارش شده که احتمال انحلال زندگی زناشویی زوجینی که قبل از ازدواج رسمی با یکدیگر رابطه جنسی داشته‌اند، بیشتر از دیگران است. (استرالیا: براچر<sup>۷</sup>،

1. Vaus
2. Nazio & Blossfeld
3. Wagner & Berned
4. Weib
5. Manning & Cohen
6. Jose
7. Bracher

۱۹۹۳: ۴۲۵-۴۰۳ و بریتانیا: برینگتون و دایمون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷: ۱۳۸-۱۲۷)

استانلی<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در مطالعه خود در زمینه تأثیر روابط پیش از ازدواج به بعد سومی اشاره کرد که آن را نظریه انتخاب می‌نامد. این محقق معتقد است انتخاب نامناسب در روابط پیش از ازدواج بیشتر یک نوع سر خوردن به سوی رابطه است تا انتخاب رابطه. به طوری که افرادی که وارد رابطه دوستی‌های قبل از ازدواج می‌شوند، شرکای پرخطرتری را برمی‌گزینند. این افراد ممکن است بدون در نظر گرفتن شرایط مطلوب شریک ازدواج، با فردی رابطه عاطفی برقرار کنند. در واقع انتخاب آنها بهترین گزینه برای ازدواجشان نیست و اغلب ممکن است به علت دلبستگی عاطفی، وابستگی، فشار موقعیت و بدون در نظر گرفتن میزان تطابق و سازگاری فرهنگی، اقتصادی و مذهبی، تحصیلات و غیره دست به انتخاب برای ازدواج بزنند. در واقع انتخاب آنها نوعی سر خوردن به سوی رابطه است نه تصمیم عقلانی راجع به رابطه. (استانلی و دیگران، ۲۰۰۶: ۵۰۴-۴۹۹)

در بریتانیا گزارش هاسکی نشان داد افرادی که قبل از ازدواج با یکدیگر رابطه جنسی داشته‌اند ۶۰٪ بیشتر از سایر افراد، پس از ۸ سال زندگی مشترک از یکدیگر طلاق گرفته‌اند. البته در اکثر تحقیقات ذکر شده است زوجینی که رابطه جنسی پیش از ازدواج داشته‌اند از لحاظ سنتی کمتر به شکل‌گیری خانواده اعتقاد داشته و نیز تعهد ضعیف‌تری نسبت به پیمان زناشویی خود دارند. (تامپسون و کوللا<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲: ۲۶۷-۲۵۹ و دی‌مارسیس و مک‌دونالد<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳: ۴۰۷-۳۹۹) نتایج مطالعات در ایالات متحده نیز نشان می‌دهد در حالی که افراد قبل از ازدواج با یکدیگر زندگی کرده باشند، سطح انتظارات بالاتری از یکدیگر دارند، رضایت زناشویی، توافق و میزان تعاملات آنها نیز پایین‌تر است. (وبستر<sup>۵</sup> و دیگران، ۱۹۹۵: ۴۳۲-۴۰۴)

در کنار آنچه گفته شد متغیرهای متعددی، رابطه میان تجربه‌های پیش از ازدواج افراد با میزان سازگاری زناشویی فعلی آنان را تحت شعاع قرار می‌دهد. همان‌طور که گفته شد، یکی از مهم‌ترین متغیرها، ارزش‌ها و استانداردهای اجتماع است و میزانی که افراد به این ارزش‌ها پایبند هستند. متغیر تأثیرگذار دیگر جنسیت افراد می‌باشد. ردپای تأثیر جنسیت در هر سه مسیر، تأثیر علی، تأثیر انتخاب و نظریه انتخاب دیده می‌شود. مطالعات نشان

1. Brington & Diamond
2. Stanley
3. Tampuson & Colella
4. Dimarsis & MacDonald
5. Webster

داده‌اند خصوصیات‌ی چون کنترل تکانه پایین، هیجان‌پذیری بالا، توان پایین در تحمل فشار همسالان و پذیرش پایین نسبت به سنت‌های جامعه، در زنان دارای رابطه جنسی پیش از ازدواج بیش از مردان این گروه دیده می‌شود. (وستون و یاس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳) روابط پیش از ازدواج به خصوص روابط جنسی، زنان و مردان را به‌طور متفاوتی تحت تأثیر قرار می‌دهد (کارپنتر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۱۳۹-۱۲۷) مطالعه در آمریکا نشان داد زنان و مردان نگرش، رفتار و هیجان متفاوتی نسبت به این موضوع دارند. این محقق ریشه‌های این تفاوت را در استانداردهای اجتماع نسبت به رفتار دو جنس در این موقعیت می‌داند. در نهایت استانداردها و فشارهای اجتماعی زنان را بیش از مردان به سمت ازدواج با فردی که با او ارتباط داشته‌اند سوق می‌دهد. (ایسنمن و دانزکر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶: ۱۶۲-۱۵۳)

مطالعاتی که در ایران به بررسی روابط پیش از ازدواج و تأثیر آن بر رضایت افراد از روابطشان، میزان جدایی و مشکلات زناشویی پرداخته‌اند، حکایت از آن دارند که این پدیده نیز همچون دیگر مسائل، جلوه‌ای از چالش سنت و مدرنیته است. (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۴۱-۶۸) جوانان بیش از پیش وارد روابط پیش از ازدواج می‌شوند، اما جامعه همچنان این روابط را منفی تلقی می‌کند. این تضاد گاه به مخفی‌کاری و انکار در طرفین می‌انجامد. ارتباط با دنیای غرب، تغییرات ارزشی در سال‌های اخیر ایجاد کرده است که بر مناسبات اجتماعی و خانوادگی در ایران تأثیرگذار بوده است؛ تغییراتی که تبعات متعددی برای جامعه به همراه داشته است. ورود و گسترش رسانه‌های ارتباط جهانی، مانند ماهواره و اینترنت در ایران سبک‌های زندگی متفاوتی را آفریده و ارزش‌های گوناگونی را شکل داده است. با افزایش امکانات ارتباطات شخصی و پنهان مانند تلفن همراه، پیامک و گفت‌وگوی شبکه‌ای؛ افزایش شهرنشینی و پیدایش فرصت گمنامی، به تدریج رفتارهای جدیدی نیز در میان جوانان ایرانی شکل گرفته که از مهم‌ترین آنها، گسترش روابط پیش از ازدواج است. (گرمارودی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۹-۱۳ و خلیج‌آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹: ۴۶۸-۴۴۹)

از سویی دیگر جامعه ایرانی همچنان جامعه‌ای با بنیان‌های قوی اسلامی و بومی است که دین نقش مؤثری در زندگی افراد ایفا می‌کند. در مطالعه انجام‌شده در این زمینه در حدود ۶۱٪ افراد مورد مطالعه اظهار داشته‌اند که بیش از هر چیز من یک مسلمان هستم.

1. Weston & Vaus
2. Carpenter
3. Eisenman & Dantzker

(آزادارمکی و اعتمادی فرد، ۱۳۸۹: ۲۳-۱) در عین حال می‌توان مدعی شد که در جامعه ایران، خانواده کنار دین، به‌علت تعلق و پیوستگی عاطفی، اجتماعی و اقتصادی اعضا، عامل تأثیرگذاری در پیدایش و پایان یافتن چالش‌ها است. (آزادارمکی، ۱۳۸۱: ۲۴-۱) خانواده با وجود نهادهای آموزشی هنوز هم به‌عنوان پایه‌ای‌ترین نهاد آموزش و جامعه‌پذیری شناخته می‌شود. (معدنی‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۳۱-۴۱۱) افراد در جامعه ایرانی، در درون خانواده خود به یک «من خانوادگی» دست پیدا می‌کنند و برای حفظ آن تلاش می‌کنند تا رفتارهای خود را براساس استانداردهای آن شکل می‌دهند و به آن وفادارند. بسیاری از رفتارهای افراد در جامعه ایرانی تحت تأثیر این من خانوادگی شکل می‌گیرد. در مجموع جامعه ایران، جامعه‌ای با ساختار سنتی و خانواده‌گرا است که در تبلیغات خود را مخالف روابط پیش از ازدواج می‌داند، اما در سطح توده‌ها شاهد رشد روزافزون آن در میان جوانانش است. این تعارض بین واقعیت‌ها و ارزش‌ها، فشار روزافزونی بر اعضای جامعه وارد می‌کند. این تفاوت و گسست ارزشی بین نسل‌ها به‌وضوح در خانواده ایرانی قابل مشاهده است. (آزادارمکی و اعتمادی فرد، ۱۳۸۹: ۲۳-۱) در این میان بسیاری از جوانان بر اساس ارزش‌های خود و به‌طور پنهانی از والدین‌شان به مدیریت روابط خود می‌پردازند. خانواده‌ای که هنوز نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان رضایت افراد از روابط‌شان ایفا می‌کند. (صادقی و مظاهری، ۱۳۹۲: ۹۳-۷۱) همان‌طور که گفته شد داشتن رابطه بدون اطلاع خانواده، در کنار فشار روانی که برای فرد به ارمغان می‌آورد، او را از دسترسی به حمایت‌ها و اطلاعات لازم برای مدیریت یک رابطه عاطفی محروم می‌سازد و احتمال آسیب دیدن فرد را بالا می‌برد.

مطالعات اندک و اغلب غیرجامعی که بر روی روابط با جنس مخالف قبل از ازدواج انجام شده است حکایت از آن دارد که بین ۸/۱۲٪ تا ۲۸٪ نوجوانان رابطه جنسی قبل از ازدواج داشته‌اند. (محمدی و دیگران، ۲۰۰۷: ۴۷-۱۴) ۵۴ تا ۵۸ درصد دانشجویان دانشگاه‌ها روابط دوستی قبل از ازدواج را تجربه می‌کنند. در حالی که روابط جنسی قبل از ازدواج در بین دانشجویان از ۸٪ (صبورپارسا و طباطبایی، ۱۳۸۴) تا ۱۲٪ (سیمبر و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۳-۵) در تغییر است. در واقع مطالعات اخیر بیانگر میزان قابل تأمل شیوع روابط با جنس مخالف در بین جوانان می‌باشد. (جوانمرد، ۱۳۸۹)

به‌علت حساسیت‌های فرهنگی و مذهبی، جوانانی که درگیر روابط جنسی می‌شوند معمولاً از دریافت اطلاعات و خدمات مناسب برای حفاظت از خود در برابر بیماری‌های

مقاربتی، حاملگی ناخواسته و سقط در جامعه محروم‌اند. در نتیجه بیشتر در معرض عواقب جسمانی و روانی ناشی از روابط محافظت‌نشده قبل از ازدواج و خشونت‌های جنسی قرار می‌گیرند. (خلج‌آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹: ۴۶۸-۴۴۹)

از آنجا که برخی شواهد در سال‌های اخیر دلالت بر روند افزایشی این‌گونه معاشرت‌ها در بین جوانان دارد (خلج‌آبادی فراهانی و دیگران، ۲۰۱۱: ۳۰-۹؛ خلج‌آبادی فراهانی، ۱۳۹۱: ۲۷-۸ و محمدی و دیگران، ۲۰۰۷: ۴۷-۱۴) و مطالعات از آسیب‌زا بودن این روابط خبر می‌دهند (کلاین<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۴: ۳۱۸-۳۱۱؛ کمپ‌دوش و دیگران، ۲۰۰۳: ۵۴۹-۵۳۹)، می‌توان چنین استنباط کرد، که بالا رفتن میزان روابط پیش از ازدواج در بین جوانان ایرانی، حجم وسیعی از مشکلات را در بین این افراد به دنبال خواهد داشت. به نظر می‌رسد در جامعه ایرانی همچون دیگر جوامع، افرادی که وارد رابطه پیش از ازدواج می‌شوند به دلایلی چون، خصوصیات روانی که آنها را مستعد ورود به این معاشرت‌ها ساخته است، تأثیر و پیامدی که این روابط بر تغییر نگرش و پیش‌فرض‌های آنها در مورد ازدواج دارد و همین‌طور احتمال بالای اشتباه در انتخاب شریک خود، در معرض آسیب هستند. با توجه به ساختار مذهبی جامعه ایرانی که این روابط را خارج از چهارچوب تلقی می‌کند، افراد با ویژگی‌های خاص‌تری وارد این روابط می‌شوند و همین‌طور فشارهای بیشتر محیط، این آسیب‌ها را تشدید خواهد کرد.

بر این اساس فرض ما در این مطالعه این است که میزان سازگاری زناشویی در افراد با سابقه روابط پیش از ازدواج پایین‌تر از دیگر افراد است و با توجه به نقش محوری فرهنگ و اجتماع در این موضوع، تأثیر دیدگاه خانواده ایرانی، که براساس یافته‌های پیشین عنصری مهم در روابط افراد جامعه است، و همین‌طور نقش جنسیت و موقعیت تحصیلی افراد، قابل توجه بوده و لذا در کنار بررسی شکل روابط پیش از ازدواج افراد، رضایت یا عدم رضایت والدین از این روابط، موافقت یا مخالفت با ازدواج و همچنین رابطه آن با سازگاری زناشویی نیز مورد مطالعه قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

#### 1. Kline

۲. پژوهش در حوزه روابط پیش از ازدواج به آن شکلی که برای جامعه و خانواده ایرانی اسلامی حائز اهمیت است، در دیگر جوامع مورد توجه نیست. لذا دسترسی به ادبیات پژوهش خارجی که با دیدی مشابه به این موضوع نگاه کرده باشند، میسر نبود. در میان پژوهش‌های داخلی نیز مطالعات محدودی به این حوزه پرداخته‌اند. بر این اساس پایه نظری مناسب و قوی در این حوزه یافت نشد. لیکن با توجه به شیوع بالا و تأثیرات مخرب روابط جنسی پیش از ازدواج، لزوم پیگیری این موضوع با وجود نبودن پیشینه نظری، محققین را بر آن داشت تا قدمی هرچند کوچک در جهت دستیابی



## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر دو جامعه متفاوت می‌باشد. جامعه اول افراد متأهل ساکن تهران می‌باشند. از جامعه آماری فوق ۱۲۹ زن و مرد متأهل با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و گلوله‌برفی در سطح شهر تهران انتخاب شدند. جامعه دوم افراد متأهلی بودند که دسترسی به فضای مجازی داشتند. از این جامعه با روش در دسترس گلوله‌برفی ۸۱ نفر پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. روش بدین گونه بود که پرسشنامه بر روی وبلاگ شخصی محقق قرار گرفت. با مراجعه به سایت‌های تخصصی و ارائه شرح مختصری از مطالعه، از افراد دعوت شد که به آدرس وبلاگ مراجعه کنند و پرسشنامه مربوط را تکمیل کنند. برای اجتناب از دریافت ناقص اطلاعات ناشی از این روش، به موازات نمونه‌گیری اینترنتی، با استفاده از روش گلوله‌برفی افراد دیگری نیز وارد مطالعه شدند. در مجموع ۸۱ نفر در فضای مجازی به تکمیل اطلاعات پرداختند و ۱۲۹ نفر به‌طور حضوری پرسشنامه را دریافت کردند. ملاک‌های ورود اعضای گروه نمونه؛ تأهل، سکونت در تهران و داشتن سواد در حد تکمیل پرسشنامه در نظر گرفته شد.<sup>۱</sup>

۱۰۹

### ابزارهای سنجش

الف) آزمون سازگاری زناشویی (MAT)<sup>۲</sup> (لاک و والاس<sup>۳</sup>، ۱۹۵۹) این آزمون یک پرسشنامه خود گزارش‌دهی کوتاه است که به منظور اندازه‌گیری کیفیت کنش‌وری از دواج طراحی شده است. این آزمون حاوی ۱۵ ماده است که نشان می‌دهد تا چه حد پاسخ‌دهنده با

به یک کلیت نظری بردارند. در واقع، در این پژوهش و دیگر پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده‌اند، مسیر حرکت بیشتر از جزء به کل است. در عین حال تمام سعی نویسندگان در پیوند زدن میان این پژوهش و کارهای گذشته بوده است، تا بتوان با کنار هم قراردادن این قطعات، به کلیت مورد نظر رسید. علاوه بر مسئله روابط پیش از ازدواج که در این مطالعه بر آن تمرکز شد، مطالعات نشان داده‌اند که خانواده نیز در میزان سازگاری زناشویی افراد در جامعه ایرانی مؤثر است. لذا بر آن شدیم تا تأثیر نگرش والدین به این موضوع را نیز مورد بررسی قرار دهیم.

۱. با توجه به ساختار مذهبی جامعه ایرانی و بر اساس ارزش‌های خانواده، روابط پیش از ازدواج تنها به شکل خاصی مورد پذیرش است. در بیشتر موارد اگر افراد شکل دیگری از این رابطه را انتخاب کنند، ترجیح می‌دهند آن را به‌طور مخفی انجام دهند. با توجه به این تابو فرهنگی، در این پژوهش برای دستیابی به اطلاعات دقیق با چالش جدی روبرو بودیم. لذا برای رهایی از این تنگنا، از روش‌های نمونه‌گیری غیرتصادفی استفاده شد. به همین دلیل، امکان تعمیم یافته‌ها با محدودیت مواجه است.

2. MAT: Marital Adjustment Test

3. Locke & Wallace

همسر خود در خصوص تعدادی از فعالیت‌هایی که در سازگای زناشویی نقش بنیادین دارند، موافق است. گستره نمرات این آزمون می‌تواند از ۲ تا ۱۵۸ باشد که نمرات پایین نارضایتی و نمرات بالا رضایت را نشان می‌دهد و نمرات پایین‌تر از ۱۰۰ نشان‌دهنده تنیدگی در روابط زناشویی است. میانگین نمرات برای مردان ۱۱۰ و برای زنان ۱۰۸ است. آزمون سازگاری زناشویی در ادبیات روان‌شناختی به‌عنوان ابزار معتبر اندازه‌گیری رضایت از ازدواج شناخته می‌شود. این آزمون با ایجاد تمایز واضح و آشکار بین همسرانی که به‌خوبی سازش یافته‌اند و آنهایی که در ازدواج خود دچار تنیدگی هستند، روایی<sup>۱</sup> بسیار بالایی نشان داده است. همچنین این آزمون با کاربرد روش دو نیمه کردن، اعتبار<sup>۲</sup> ۰/۹۰ را نشان داده است. (لاک و والاس، ۱۹۵۹: ۲۵۵-۲۵۱) این آزمون توسط مظاهری (۱۹۹۷) با روش ترجمه مجدد ترجمه شده و تاکنون در پژوهش‌های متعددی بر روی نمونه‌های ایرانی اجرا شده است. (صادقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۶-۸۳) اعتبار این آزمون در پژوهش حاضر از طریق محاسبه آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۸۱ تا ۰/۸۳ در تغییر بوده است. اعتبار این مقیاس در مطالعه صادقی و همکاران (۱۳۸۹) ۰/۸۹ به‌دست آمده است. همچنین این آزمون با روش رگرسیون لوجستیک با ایجاد تمایز واضح و آشکار بین همسرانی که به‌خوبی سازش یافته‌اند و از زندگی خود راضی هستند و زوجینی که در ازدواج خود دچار تنیدگی بوده و متقاضی طلاق‌اند، روایی بسیار بالایی را نشان داده است. (صادقی و مظاهری، ۱۳۹۲: ۹۳-۷۱) نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مدل پیشرفته با  $p < ۰/۰۵۳/۳$  تا  $\chi^2(۱) = ۶۸/۵۸$  به‌طور معناداری پایا بوده و این بین  $۰/۵۳/۳$  تا  $۰/۷۴/۱$  از واریانس را در زوجین متقاضی تبیین می‌کند و در کل  $۰/۶۶/۶$  از پیش‌بینی‌ها برای قرار گرفتن زوجین در گروه طلاق با توجه به نمره MAT آنها درست می‌باشند. (صادقی و مظاهری، ۱۳۹۲: ۷۱-۹۳)

(ب) پرسشنامه بررسی اطلاعات جمعیت‌شناختی: این پرسشنامه، یک ابزار محقق‌ساخته است. این فرم شامل سؤالات مربوط به جنسیت، شغل، سطح تحصیلات و سن ازدواج است. (پ) پرسشنامه مربوط به بررسی سطوح روابط پیش از ازدواج: این پرسشنامه نیز یک ابزار محقق‌ساخته است و شامل دو پرسش اصلی در زمینه سطوح روابط پیش از ازدواج فرد با افراد جنس مخالف می‌باشد. سؤال اول به بررسی سطح روابط پیش از ازدواج فرد با

1. Validity  
2. Reliability

همسرش می‌پردازد. از آزمودنی خواسته می‌شود شکل رابطه پیش از ازدواج خود با همسر فعلی‌اش را با انتخاب یکی از گزینه‌ها به شرح ذیل مشخص سازد؛ «پیش از اینکه ازدواج کنم، هیچ رابطه دوستانه‌ای با همسرم نداشتم»، «پیش از اینکه ازدواج کنم، با همسرم آشنایی و روابط دوستانه‌ای داشتم، اگرچه این روابط صمیمی و عاطفی بود اما هیچ‌گاه منجر به روابط جنسی نشد»، «پیش از اینکه ازدواج کنم، با همسرم روابط صمیمی و دوستانه‌ای داشتم که منجر به روابط جنسی محدود شد» و «پیش از اینکه ازدواج کنم، با همسرم روابط صمیمی همراه با روابط جنسی پیشرفته داشتم». علاوه بر این توافق یا عدم توافق والدین فرد با ازدواج او، به وسیله انتخاب یکی از دو گزینه «والدین من با این ازدواج مخالف بودند» و «والدین من با این ازدواج موافق بودند» بررسی می‌شود.

۱۱۱

سؤال دوم به بررسی سطح روابط پیش از ازدواج فرد با افراد جنس مخالف می‌پردازد. از آزمودنی خواسته می‌شود شکل رابطه پیش از ازدواج خود با جنس مخالف را با انتخاب یکی از گزینه‌ها به شرح ذیل مشخص سازد «پیش از اینکه ازدواج کنم، هیچ رابطه دوستانه‌ای با جنس مخالف نداشتم»، «پیش از اینکه ازدواج کنم، دوستان صمیمی از جنس مخالف داشتم و با آنها روابط صمیمی و عاطفی داشتم، اما هیچ‌یک از این روابط منجر به روابط جنسی نشد»، «پیش از اینکه ازدواج کنم، دوستان صمیمی از جنس مخالف داشتم، که بعضی از این روابط همراه با روابط جنسی به شکل محدود بود»، «پیش از اینکه ازدواج کنم، دوستان صمیمی از جنس مخالف داشتم، که بعضی از این روابط همراه با روابط جنسی به شکل پیشرفته بود»، «پیش از اینکه ازدواج کنم، روابط عاطفی همراه با روابط جنسی را با افراد مختلف تجربه کردم».

در این مورد نیز، توافق یا عدم توافق والدین با این روابط به وسیله سه گزینه «والدین من با این روابط مخالف بودند»، «والدین من با این روابط موافق بودند» و «والدین من کاری به کار من نداشتمند» بررسی می‌شود.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای بررسی داده‌ها از روش‌های آماری؛ تحلیل واریانس یک‌راهه، تحلیل واریانس دوراهه و مجذور خی استفاده شد.

## نتایج

حجم گروه نمونه در مطالعه حاضر ۲۱۰ نفر متشکل از ۱۰۹ زن و ۱۰۱ مرد است. میانگین سنی زنان شرکت کننده در پژوهش ۲۹ سال با گستره سنی ۲۴ تا ۴۸ سال و میانگین سنی مردان شرکت کننده ۳۲ سال با گستره سنی ۲۴ تا ۴۸ سال است. میانگین طول مدت ازدواج پنج سال و نه ماه می باشد که در دو گروه زنان و مردان به ترتیب پنج سال و شش ماه و شش سال و یک ماه است. داده ها در مورد سطح تحصیلات نشان می دهد بیشترین فراوانی متعلق به تحصیلات لیسانس است که در دو گروه زنان و مردان به ترتیب ۳۴٪ و ۳۷٪ را به خود اختصاص می دهد.

جدول ۱ توزیع فراوانی آزمودنی ها در سطوح مختلف ارتباط پیش از ازدواج با همسر را در دو جنس را نشان می دهد. همان گونه که در جدول مشاهده می شود توزیع فراوانی آزمودنی ها در سطوح مختلف تعاملات به نحوی است که در سبک «پیش از اینکه ازدواج کنم، هیچ رابطه دوستانه ای با همسرم نداشتم» بیشترین تعداد آزمودنی و در سطح «پیش از اینکه ازدواج کنم، با همسرم روابط صمیمی همراه با روابط جنسی پیشرفته داشتم» کمترین تعداد آزمودنی را به خود اختصاص می دهد.

۱۱۲

جدول ۱: توزیع فراوانی سطوح مختلف تعامل با همسر قبل از ازدواج

کل	نوع رابطه با همسر قبل از ازدواج				
	جنسی پیشرفته	رابطه جنسی محدود	رابطه دوستانه	هیچ رابطه	
۱۰۱ (۱۰۰٪)	۱۴ (۱۳٪)	۲۳ (۲۲٪)	۲۵ (۲۴٪)	۳۹ (۳۸٪)	مرد
۱۰۹ (۱۰۰٪)	۲۱ (۱۹٪)	۲۷ (۲۴٪)	۳۴ (۳۱٪)	۲۷ (۲۴٪)	زن
۲۱۰	۳۵ (۱۶٪)	۵۰ (۲۳٪)	۵۹ (۲۸٪)	۶۶ (۳۱٪)	کل

جدول ۲ توزیع فراوانی آزمودنی ها در سطوح مختلف ارتباط پیش از ازدواج با جنس مخالف را در دو جنس را نشان می دهد. همان گونه که در جدول مشاهده می شود توزیع فراوانی آزمودنی ها در سطوح مختلف تعاملات به نحوی است که در سبک «پیش از اینکه ازدواج کنم، هیچ رابطه دوستانه ای با جنس مخالف نداشتم» بیشترین تعداد آزمودنی و در سطح «پیش از اینکه ازدواج کنم، با افراد مختلفی رابطه داشتم» کمترین تعداد آزمودنی وجود دارد.

جدول ۲: توزیع فراوانی سطوح مختلف تعامل با جنس مخالف قبل از ازدواج

کل	رابطه با جنس مخالف				هیچ رابطه	
	رابطه با افراد مختلف	جنسی پیشرفته	جنسی محدود	رابطه دوستانه		
۱۰۱ (٪۱۰۰)	۱۳ (٪۱۲)	۱۶ (٪۱۵)	۱۵ (٪۱۴)	۲۳ (٪۲۲)	۳۴ (٪۳۳)	مرد
۱۰۹ (٪۱۰۰)	۹ (٪۸)	۸ (٪۷)	۲۰ (٪۱۸)	۳۱ (٪۲۸)	۴۱ (٪۳۷)	زن
۲۱۰	۲۲ (٪۱۰)	۲۴ (٪۱۱)	۳۵ (٪۱۷)	۵۴ (٪۲۶)	۷۵ (٪۳۶)	کل

جدول ۳ و ۴ به ترتیب به توزیع فراوانی توافق یا عدم توافق والدین آزمودنی‌ها با ازدواجشان و روابطشان با جنس مخالف می‌پردازد. همان‌طور که مشاهده می‌شود ازدواج‌ها بیشتر با توافق والدین روبرو بوده‌اند در حالی که بیشتر والدین با روابط مخالف بوده‌اند.

۱۱۳

جدول ۳: توزیع فراوانی سطوح توافق والدین با ازدواج

کل	نظر والدین در مورد ازدواج		
	موافق	مخالف	
۱۰۱ (٪۱۰۰)	۷۹ (٪۷۸)	۲۲ (٪۲۱)	مرد
۱۰۹ (٪۱۰۰)	۸۴ (٪۷۷)	۲۵ (٪۲۲)	زن
۲۱۰	۱۶۳ (٪۷۷)	۴۷ (٪۲۲)	کل

جدول ۴: توزیع فراوانی سطوح توافق والدین با روابط پیش از ازدواج

کل	نظر والدین در مورد ازدواج			
	بی تفاوت	موافق	مخالف	
۱۰۱ (٪۱۰۰)	۳۶ (٪۳۵)	۱۶ (٪۱۵)	۴۳ (٪۴۲)	مرد
۱۰۹ (٪۱۰۰)	۱۸ (٪۱۶)	۲۱ (٪۱۹)	۷۰ (٪۶۴)	زن
۲۱۰	۶۰ (٪۲۸)	۳۷ (٪۱۷)	۱۱۳ (٪۵۳)	کل

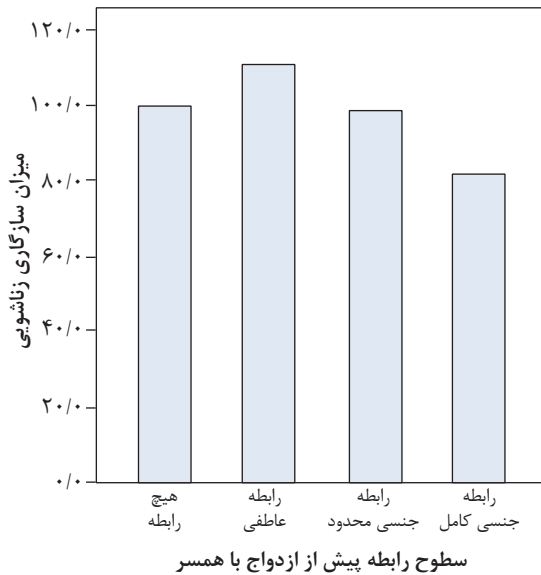
برای بررسی تفاوت میزان سازگاری زناشویی در میان گروه‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. نتایج، تفاوت معناداری در میان سازگاری زناشویی افراد با سطوح مختلف رابطه پیش از ازدواج با همسرشان نشان داد. میانگین و انحراف استاندارد نمرات سازگاری زناشویی به همراه نتایج آزمون در جدول شماره ۵ و نمودار شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۵: میانگین و انحراف استاندارد نمرات کلی سازگاری زناشویی به تفکیک چهار گروه در روابط پیش از ازدواج با همسر و نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	F	سطح معناداری	آزمون تعقیبی
هیچ رابطه	۶۶	۱۰۰/۰	۳۲/۵	۳-۲۰۹	۵/۸۰۵	۰/۰۰۱	رابطه عاطفی با رابطه جنسی پیشرفته $P > ۰/۰۵$
رابطه عاطفی	۵۹	۱۱۱/۵	۲۹/۶				
رابطه جنسی محدود	۵۰	۹۹/۳	۲۹/۳				
رابطه جنسی پیشرفته	۳۵	۸۲/۷	۴۰/۲				

آزمون‌های تعقیبی نشان داد که این تفاوت میان افرادی که رابطه عاطفی با همسرشان داشته‌اند که هیچگاه منجر به رابطه جنسی نشده است و افرادی که رابطه جنسی پیشرفته با همسرشان را تجربه کرده‌اند وجود دارد.

۱۱۴



نمودار ۱: بررسی میزان سازگاری زناشویی در افراد با سطوح متفاوت رابطه پیش از ازدواج با همسر

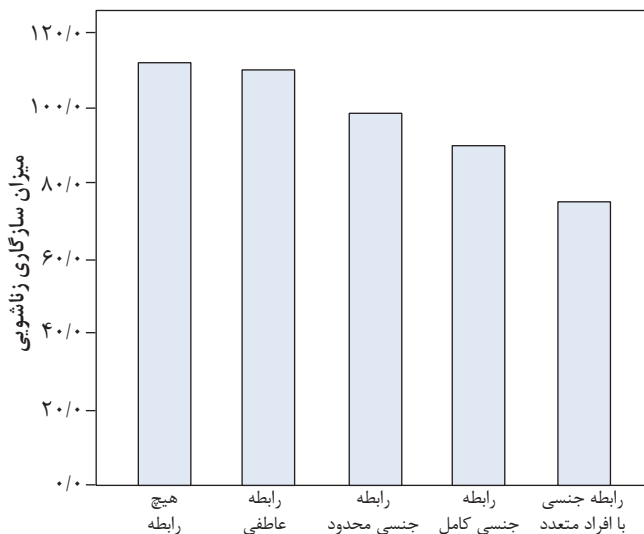
برای بررسی فرضیه دوم پژوهش، یعنی بررسی تفاوت میان میزان سازگاری زناشویی در پنج گروه مورد مطالعه در حوزه روابط پیش از ازدواج با جنس مخالف نیز از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. در جدول شماره ۶ میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد نمرات سازگاری زناشویی افراد در پنج گروه بدون رابطه، رابطه عاطفی،

رابطه جنسی محدود و پیشرفته و رابطه با افراد مختلف نمایش داده شده است. نتایج این بررسی تفاوت معنادار میان افراد با سطوح مختلف رابطه پیش از ازدواج را نشان می‌دهد. براساس نتایج آزمون‌های تعقیبی این تفاوت میان افراد که هیچ رابطه‌ای نداشته‌اند و افراد با رابطه محدود با افرادی که روابط متعددی داشته‌اند معنادار است. این تفاوت‌ها به‌گونه‌ای است که افرادی که هیچ رابطه‌ای با جنس مخالف نداشته‌اند بالاترین میزان سازگاری و افرادی که رابطه با جنس مخالف داشته‌اند پایین‌ترین میزان سازگاری را گزارش نموده‌اند. این نتایج در نمودار ۲ نیز ارائه شده است.

جدول ۶: میانگین و انحراف استاندارد نمرات کلی سازگاری زناشویی به تفکیک پنج گروه در روابط پیش از ازدواج با جنس مخالف و نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه

آزمون تعقیبی	سطح معناداری	F	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
هیچ رابطه با رابطه جنسی پیشرفته و با رابطه با افراد متعدد P>۰/۰۵	۰/۰۰۱	۵/۰۲	۳-۲۰۹	۲۹/۸	۱۰۷/۶	۷۵	هیچ رابطه
				۲۸/۳	۱۰۵/۶	۵۴	رابطه عاطفی
				۳۳/۱	۹۷/۶	۳۵	رابطه جنسی محدود
				۳۹/۲	۹۰/۴	۲۴	رابطه جنسی پیشرفته
				۳۹/۶۵	۷۶/۱۳	۲۲	رابطه با افراد متعدد

۱۱۵



سطوح رابطه پیش از ازدواج با جنس مخالف

نمودار ۲: بررسی میزان سازگاری زناشویی در افراد با سطوح متفاوت رابطه پیش از ازدواج با جنس مخالف

برای پاسخ به سؤال بعدی پژوهش مبنی بر اینکه آیا میزان سازگاری زناشویی افراد در گروه‌هایی که با توافق یا عدم توافق والدین با ازدواج روبرو بوده‌اند متفاوت است؟ از آزمون تی مستقل استفاده شد. میانگین، انحراف استاندارد و خطای استاندارد نمرات سازگاری زناشویی افراد به تفکیک توافق یا عدم توافق والدین به همراه نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول ۷: میانگین و انحراف استاندارد نمرات کلی سازگاری زناشویی به تفکیک توافق یا عدم توافق والدین با ازدواج و نتایج آزمون تی مستقل

سطح معناداری	T	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد		سازگاری زناشویی
۰/۰۰۰	۴/۵۱۶	۲۰۸	۳۷/۵	۸۱/۵	۴۷	مخالف	
			۳۰/۳	۱۰۵/۵	۱۶۳	موافق	

۱۱۶

در ادامه بررسی نقش والدین در میزان سازگاری زناشویی به بررسی این نمرات میان افرادی که والدین‌شان با روابط پیش از ازدواج موافق، مخالف یا بی تفاوت بوده‌اند پرداخته شد. نتایج آزمون تحلیل واریانس تفاوت معناداری نشان نداد.  $F(2, 126) = 1/54, P > 0/05$ . برای بررسی رابطه تعاملی میان تأثیر سطوح تعامل پیش از ازدواج با همسر و رضایت والدین با ازدواج از تحلیل واریانس دو راهه استفاده شد. نتایج این بررسی‌ها، تفاوت معناداری را نشان نداد.  $F(2, 126) = 1/54, P > 0/05$ . با توجه به کم بودن حجم نمونه، امکان مطالعه مجزای افراد با سبک‌های تعامل متفاوت در گروه‌های جنسیتی و تحصیلی وجود نداشت و لذا یافته‌ای گزارش نشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع نتایج به‌دست آمده نشان‌دهنده میزان سازگاری بیشتر در افرادی است که پیش از ازدواج رابطه‌ای با جنس مخالف نداشته‌اند و یا رابطه عاطفی محدودی با نظارت والدین را تجربه کرده‌اند. کمترین میزان سازگاری زناشویی متعلق به افرادی است که پیش از ازدواج روابط جنسی پیشرفته با همسر داشته‌اند و یا روابط متعدد جنسی را تجربه کرده‌اند.

تأثیر مثبت روابط محدود با نظارت والدین، بر میزان سازگاری افراد در ازدواج‌شان در



مطالعات دیگر نیز مشاهده شده است. این رابطه در چهارچوب مناسب می‌تواند، فرصت شناخت، آشنایی و بررسی معیارهای همسرگزینی را برای زوجین فراهم آورد. موسوی و همکاران (۱۳۸۶: ۴۰-۲۷) در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر روابط پیش از ازدواج بر تعارضات زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های دولتی تهران نتیجه‌گیری کردند که تعارضات زناشویی در دانشجویانی که قبل از ازدواج با یکدیگر رابطه محدود داشته‌اند نسبت به افرادی که رابطه و شناختی نداشته‌اند کمتر بوده است. همچنین کاهش همکاری زوجین در دانشجویانی که رابطه داشته‌اند نسبت به افرادی که رابطه نداشته‌اند کمتر بوده است. میزان افزایش هیجانی نیز در این افراد کمتر بوده است. مطالعه خلج‌آبادی فراهانی (۱۳۸۹) نیز نتایجی همسو با یافته این مطالعه مبنی بر اینکه روابط محدود پیش از ازدواج با هدف همسرگزینی تأثیر مخربی بر میزان رضایت افراد و کاهش تمایل آنها به ازدواج ندارد، نشان داد. این محقق معتقد است تنها روابط پیشرفته (جنسی) که معمولاً به‌عنوان جایگزینی برای ازدواج برگزیده می‌شوند باعث کاهش تمایل افراد به ازدواج می‌شوند. مظاهری و همکاران (۱۳۸۸: ۷۲-۵۵) نیز در مطالعه‌ای نشان دادند که سازگاری زناشویی زنانی که همسرگزینی آنها به‌صورت آشنایی قبلی و ازدواج با رضایت خانواده بوده و یا به‌صورت سنتی با خواستگاری و رضایت فرد و خانواده ازدواج کرده‌اند، در مقایسه با سبک خواستگاری همراه با ازدواج اجباری یا آشنایی قبلی همراه با ازدواج اجباری بیشتر است.

در زمینه تأثیر والدین بر سازگاری زناشویی، باس<sup>۱</sup> (۲۰۰۱: ۵۰۳-۴۹۱) معتقد است که در همه جای دنیا انتخاب همسر بسته به ماهیت فردی یا جمعی فرهنگ اهمیت و شکل متفاوتی پیدا می‌کند. در حالی که در فرهنگ‌های فردگرا تنها روابط نزدیک است که فرد را حمایت می‌کند، در فرهنگ‌های جمع‌گرا شبکه‌های حمایت فرد تنها روابط نزدیک را شامل نمی‌شود و شبکه حمایتی وسیع صمیمیت در گروه توزیع می‌شود. در این شرایط طبق گزارش تریناندس (۱۳۸۷) ازدواج‌های با توافق والدین در فرهنگ‌های جمع‌گرا بروز وسیع‌تری دارد. این محقق معتقد است درصد طلاق در بین افرادی که نظارت خانواده را در ازدواج و تصمیم خود دخیل می‌دانند بالا گزارش شده است. در ایران به‌دلیل نقش بااهمیتی که خانواده در سلامت و ثبات ازدواج فرد ایفا می‌کند، عدم رضایت خانواده یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم طلاق زوجین است. (مظاهری و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۵-۱۳۷)

این محقق در مطالعه خود به مفهومی تحت عنوان «من خانوادگی» اشاره می‌کند که فرد با خانواده اصلی خود شکل می‌دهد. در شرایطی که ازدواج با مخالفت خانواده اتفاق افتد، فرد از این «من خانوادگی» دور می‌شود. با توجه به اینکه، به‌طور کلی هر فرد سعی می‌کند در رابطه‌ای وارد شود که برای وی بیشترین سود و کمترین هزینه را داشته باشد (فرهمنده و احمدنیا، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۹۱)، دور شدن از «من خانوادگی» هزینه‌ای است که در کنار دیگر مشکلات فرد در رابطه‌اش، باعث سنگین شدن هزینه‌های ارتباط می‌شود و با بالا رفتن هزینه‌های یک ارتباط میزان رضایت از رابطه کاهش می‌یابد.

نتایج مطالعه حاضر همسو با آنچه گفته شد به تفاوت معنادار میان افرادی که با توافق والدین ازدواج کرده‌اند، اشاره دارد. نکته جالبی که در این میان باید مورد توجه قرار گیرد این است که تحولات اجتماعی و فرهنگی خانواده ایرانی در طول سه نسل اخیر به‌گونه‌ای بوده است که بیش از نیمی از خانواده‌ها با روابط با قید و شرط جوانان در پیش از ازدواج موافق‌اند و ارزش‌هایی چون حرف نزدن مرد و زن تغییر کرده است. (آزادارمکی، ۱۳۸۳) نتیجه این تغییر نگرش را همسو با آنچه که در پژوهش حاضر مشاهده می‌شود می‌توان رفع آسیب‌های روابط بدون نظرات خانواده و بروز منفعت‌های این نوع روابط، البته با تأکید بر موافقت و نظارت والدین دانست.

یافته دیگری که در این مطالعه روشن شد کاهش میزان رضایت و سازگاری زناشویی در میان افراد با رابطه جنسی پیشرفته و روابط جنسی با افراد متعدد است. در حال حاضر در مطالعات انجام‌شده در جوامع صنعتی و مدرن به مسئله هم‌خانگی و تأثیر آن بر ازدواج پرداخته می‌شود. در برخی جوامع همچون ایران معاشرت‌های دوستی یا پیشرفته مشابه با هم‌خانگی وجود دارد که به‌علت عدم پذیرش فرهنگی و خانوادگی لزوماً افراد هم‌خانه نبوده بلکه در بیشتر اوقات با یکدیگر شریک‌اند. اگر در نظر گرفته شود که برخی معاشرت‌های دوستی یا پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج در این جوامع ماهیتی مشابه با هم‌خانگی داشته باشد، می‌توان ادعا کرد نتایج مطالعات مربوط به هم‌خانگی تا حدودی قابل تعمیم به نتایج مربوط به چنین معاشرت‌هایی با جنس مخالف قبل از ازدواج باشد. همان‌طور که در بررسی ادبیات پژوهش گفته شد، دو مسئله تأثیر علی و تأثیر انتخابی به تأثیر منفی روابط جنسی پیش از ازدواج بر رضایت زناشویی منجر می‌شوند. مطالعات متعددی به خصوصیات افرادی که وارد روابط جنسی پیش از ازدواج می‌شوند اشاره کرده‌اند. دانشجویانی که وجود رابطه با جنس مخالف را ضروری می‌دانند، در رابطه با

کیفیت روابط خود با خانواده‌شان این نوع روابط را از نوع سرد و محدود و یا بدون حمایت عاطفی و هیجانی ارزیابی کرده‌اند. همچنین اغلب این دانشجویان توضیح می‌دهند که اعتقادات دینی جایی در زندگی آنها ندارد. (صادقی و مظاهری، ۱۳۹۲: ۹۳-۷۱) همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، برخی صفات شخصیتی می‌تواند سهم به‌سزایی در الگوی رفتارهای پرخطر جنسی داشته باشد، صفاتی چون سطوح پایین پذیرا بودن و مسئولیت‌پذیری نمرات بالا در روان‌رنجورخویی، نمرات کم در بعد دلپذیر و باوجدان بودن، میزان انعطاف‌پذیری پایین با رفتار پرخطر جنسی. (بیرامی و اسمعیلی، ۱۳۸۹، ۲۲۰-۲۱۵)

در کنار خصوصاتی که فرد را مستعد ورود به رابطه جنسی پرخطر می‌کند، تجربه این روابط می‌تواند تأثیر مخربی بر روابط بعدی فرد داشته باشد. خلج‌آبادی فراهانی (۱۳۸۹) معتقد است به‌دلیل توسعه نگرش‌های منفی، وسواس و سخت‌گیری در انتخاب همسر به‌علت تجربیات و بالا رفتن توقع در معیارهای همسرگزینی و ایجاد حس بدبینی به جنس مخالف و گسترش بی‌اعتمادی به جنس مخالف، تمایل به ازدواج در افرادی که روابط جنسی قبل از ازدواج را تجربه می‌کنند کاهش می‌یابد. (خلج‌آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹: ۴۶۸-۴۴۹) همچنین ارتباطات متعدد قبل از ازدواج اغلب همراه با تعهدات و پایبندی کم به اخلاقیات مرتبط دانسته شده است و این مسئله موجب توسعه دیدگاه منفی نسبت به جنس مخالف می‌گردد، به‌طوری که روی تمایل ازدواج جوانان تأثیر منفی می‌گذارد. (خلج‌آبادی فراهانی، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۰)

تأثیر علیتی روابط جنسی قبل از ازدواج نیز تا حد زیادی تحت تأثیر تفاوت‌های فرهنگی قرار می‌گیرد. همان‌طور که گفته شد مطالعه هویت (۲۰۰۹) نشان داد تأثیر مخرب روابط پیش از ازدواج نسل به نسل و فرهنگ به فرهنگ متفاوت است. این روابط در شرایطی که با مخالفت جامعه و خانواده روبرو باشند رابطه قوی با کاهش رضایت زناشویی افراد دارند. در جامعه ایران تنها راه مشروع رابطه پیشرفته دو جنس ازدواج است. نتایج مطالعه خلج‌آبادی فراهانی (خلج‌آبادی فراهانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۸-۷) همسو با نتایج به‌دست آمده از این مطالعه نشان می‌دهد بیشتر والدین، مخالف رابطه پیشرفته فرزندان خود با جنس مخالف می‌باشند. در این شرایط افراد دارای چنین روابطی اغلب از استراتژی گمنامی و پنهان‌کاری در کلان‌شهرها استفاده می‌کنند. (وکیلی و آزادارمکی، ۱۳۸۹: ۵۰-۳۴) این تنهایی و انزوا، دسترسی کم به حمایت‌های گروه‌های جمعی؛ که در جوامع جمع‌گرا و خانواده‌گرا برای افراد مهم تلقی می‌شود و عدم دسترسی به آموزش مناسب،

احساس عدم تأیید اجتماعی، ترس و نگرانی دائمی از افشا شدن راز روابط پنهانی و پیامدهای آن همه و همه باعث آسیب‌های کوتاه و بلند مدت جسمی و روانی در پی رابطه جنسی پیش از ازدواج می‌شود.

یافته مهم دیگری که در این بررسی مشاهده شد، نقش پررنگ خانواده است. از یک‌سو افرادی که خانواده‌شان با روابط پیش از ازدواج مخالف بوده‌اند، کمترین سطح روابط پیش از ازدواج را گزارش کرده‌اند. از سوی دیگر افرادی که با موافقت والدین خود ازدواج کرده‌اند، به طور معناداری بیش از دیگران احساس رضایت از زندگی مشترک را تجربه می‌کنند. همسو با یافته آزادارمکی (۱۳۹۱) که معتقد است خانواده ایرانی هنوز دچار گسست نسلی نشده است و همچنان با سازگار کردن خود نقش خود را حفظ کرده است (آزادارمکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۴-۱) و یافته مظاهری و همکاران (۱۳۸۸) که رضایت خانواده را یکی از عوامل پیش‌بینی کننده ازدواج می‌دانند، برای ما نیز روشن شد که خانواده همچنان نقش پررنگی در گفتمان جامعه ایرانی دارد. (مظاهری و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۲-۵۵)

در مجموع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در شرایط فعلی جامعه و خانواده ایرانی، یعنی نظام باورها و ارزش‌هایی که روابط را صرفاً با نظارت والدین و با هدف شناخت افراد می‌پذیرد، افراد با روابط محدود عاطفی با همسر و یا به‌طور کل با جنس مخالف بیشترین سطح سازگاری و رضایت زناشویی را دارند. این روابط که در حال حاضر مورد توافق نسبی والدین است فرصتی را برای شناخت بیشتر خود و دیگری فراهم می‌سازد که از آسیب‌های بعدی ازدواج‌های سریع و بدون شناخت می‌کاهد.

هدف از ارتباط با جنس مخالف برآوردن تمام نیازهای ممکن در آن رابطه، اعم از نیازهای جنسی، عاطفی، دوست‌داشتن و دوست‌داشته شدن، نیاز به احترام و نظایر آن است. نیازهای اساسی منشأ زیستی دارند و در همه انسان‌ها در همه دوران‌ها و فرهنگ‌ها دیده می‌شوند. نیازها انگیزه تولید می‌کنند و انگیزه هم رفتار و رابطه اجتماعی را بازتولید می‌کند. اما پدیده دیگری که در روابط اجتماعی مهم است و به آن جهت می‌دهد فرهنگ است. فرهنگ یعنی شیوه و سبک زندگی در یک جامعه خاص. (گیدنز، ۱۳۷۷؛ به نقل از آزادارمکی، ۱۳۹۰: ۴۶۳-۴۳۵) رابطه صمیمی با جنس مخالف یک نیاز است و ازدواج، راه فرهنگی رفع آن نیاز. فرهنگ مشخص‌کننده و تعیین‌کننده چگونگی رفع نیاز است. اگر فرهنگ به‌شکلی در نزاع با نیاز قرار گیرد و مانع ارضاء آن شود معمولاً این فرهنگ

است که شکست می‌خورد. (مرتون، ۱۹۵۷؛ به نقل از آزادارمکی، ۱۳۹۰: ۴۶۳-۴۳۵) عدم توافق بین ابزار و هدف زمانی ظاهر می‌شود که جامعه تأکید ناموزونی بر یکی از آنها داشته باشد. رابطه جنسی پیش از ازدواج زمانی ظاهر می‌شود که جامعه بر ازدواج و تشکیل خانواده که هدف فرهنگ و در واقع شیوه پذیرفته ارضاء نیاز است، بیشتر از اشتغال و سایر مقدمات شکل‌دهی ازدواج تأکید می‌کند. این شرایط باعث محرومیت گروهی از اعضای جامعه می‌شود. احساس محرومیت اختلافی است منفی میان واقعیت و انتظارات مشروع. احساس محرومیت موجب بروز نارضایتی در افراد می‌گردد و این نارضایتی خود به محرکی برای اقدام علیه منبع آن محرومیت حتی به «شیوه‌های جدید» می‌شود. (آزادارمکی، ۱۳۹۱: ۳۴-۱) همان‌طور که گفتیم افراد با خصوصیات خاص در شرایط عدم تعادل جامعه میان اهداف و روش‌های فرهنگ یعنی ازدواج و مقدمات آن، رابطه جنسی پیش از ازدواج را به‌عنوان جایگزین برمی‌گزینند. این افراد به‌عنوان خط مقدم تغییر خصوصیات دارند که آنان را مستعد آسیب می‌کند و این تغییر نیز خود بالذات آسیب‌زا است. اما این انتهای داستان نیست.

در ابتدا گروه خاصی به شیوه جدید رفتار خواهند کرد. اما به مرور زمان شیوه جدید به‌علت توانایی در رفع نیازی که فرهنگ پاسخگوی آن نبود، گسترش می‌یابد و به‌گفتمان غالب جامعه تبدیل می‌شود. اگر گفتمان روابط پیش از ازدواج، به‌گفتمان رایج در جامعه تبدیل شود روزی از همین گفتمان برای نفی خود ازدواج هم استفاده خواهد شد. کما اینکه همین‌طور هم شده است؛ امروزه جوانان در غرب، کمتر و دیرتر ازدواج می‌کنند و به‌سمت گونه‌های متعدد و جدید روابط جنسی سوق پیدا کرده‌اند. (باومان، ۲۰۰۳) در این شرایط، باید با تأکید بر حل موانع رسیدن به ازدواج که برای فرد خواستنی و برای جامعه پذیرفتنی است؛ فرهنگ را غنا بخشید. بهتر آن است که راه‌حل‌های مناسبی برای کنترل و کاهش فاصله میان بلوغ و ازدواج ارائه داد (آزادارمکی، ۱۳۹۰) تا فرهنگ بتواند راه‌های دستیابی به اهداف خود را میسر سازد و از نیاز هر روزه به تجدید و سنت‌زدایی کاسته شود.

### محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهشی

در تعمیم نتایج به‌دست آمده از این پژوهش باید مسائلی مورد توجه قرار گیرند. ابتدا

اینکه این مطالعه یک مطالعه مقطعی و با روش همبستگی است که نتیجه‌گیری علی را تا حدی محدود می‌کند. روش نمونه‌گیری این پژوهش روش دردسترس و گلوله‌برفی بود و این احتمال وجود دارد که تمام جمعیت‌های جامعه مورد نظر به‌طور کامل مورد مطالعه قرار نگرفته باشند. محدودیت دیگری که در بررسی نتایج این مطالعه وجود داشت حجم محدود گروه نمونه در زیرگروه‌ها بود. که این کاستی مانع بررسی اثر تعاملی دو متغیر سطوح ارتباط و رضایت خانواده شد. در این مطالعه تنها سطوح رابطه و توافق یا عدم توافق والدین از دیدگاه فرزندان مورد بررسی قرار گرفت. متغیرهای دیگری چون ساختار خانواده، ارزش‌های قومی و مذهبی افراد، میزان پایبندی مذهبی، میزان نفوذ خانواده بر فرزند، گروه‌های دوستی فرد و... که براساس یافته‌های پژوهش‌های پیشین در مسئله روابط پیش از ازدواج مؤثر تلقی شده‌اند، مورد توجه قرار نگرفته است. در عین حال، رضایت و موافقت والدین صرفاً از طریق سؤال از فرزندان بررسی شده است که ممکن است با نظر واقعی والدین متفاوت باشد، ضمن آنکه اطلاعات حاصل از سؤال در این خصوص بسیار مختصر (بله/خیر) و فاقد هرگونه توضیح یا جزئیات بیشتر است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی به بررسی تأثیر متغیرهای مؤثر در گروه‌های نمونه بزرگ‌تر بپردازند.

## منابع

۱. آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۶). فرآیند تغییر نسلی، بررسی فراتحلیل در ایران. **جوانان و مناسبات نسلی**. شماره ۱.
۲. آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۳). **جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران**. تهران: انتشارات آن.
۳. آزادارمکی، تقی؛ مهناز زند و طاهره خزاعی. (۱۳۸۱). روند تغییرات فرهنگی و اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل. **فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا**. شماره ۱۲.
۴. آزادارمکی، تقی و محمدحسین شریفی. (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران. **خانواده‌پژوهی**. ۷ (۲۸).
۵. آزادارمکی، تقی؛ محمدحسین شریفی ساعی؛ مریم ایثاری و سحر طالبی. (۱۳۹۱). **سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران**. **جامعه‌پژوهی فرهنگی**. ۲ (۲).
۶. آزادارمکی، تقی و سیدمهدی اعتمادی‌فرد. (۱۳۸۹). پایگاه خانوادگی، سنخ‌های دینداری و کیفیت ارزش‌های مذهبی در ایران. **پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه**. شماره ۴.
۷. بیرامی، منصور و احمد اسمعیلی. (۱۳۸۹). مقایسه عوامل و صفات شخصیتی دانشجویان دارای روابط جنسی پرخطر و فاقد روابط جنسی پرخطر. **مجله پزشکی ارومیه**. ۲۱ (۳).
۸. تریان‌دس، هری، س. (۱۳۷۸). **فرهنگ و رفتار اجتماعی**. نصرت فتی. تهران: رسانه‌س.
۹. جوانمرد، بهروز. (۱۳۸۹). بررسی نقش روابط پیش از ازدواج در حفظ ثبات خانواده سالم. مقاله ارائه شده در **چهارمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده**. دانشگاه شهید بهشتی. پژوهشکده خانواده.
۱۰. خلیج‌آبادی فراهانی، فریده؛ شهلا کاظمی‌پور و علی رحیمی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. **فصلنامه خانواده‌پژوهی**. ۹ (۳۳).
۱۱. خلیج‌آبادی فراهانی، فریده. (۱۳۹۱). تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر احتمال طلاق بین افراد تحصیلکرده دانشگاهی. **فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده**. شماره ۵۸.
۱۲. خلیج‌آبادی فراهانی، فریده و امیر هوشنگ مهریار. (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. **فصلنامه خانواده‌پژوهی**. شماره ۲۴.
۱۳. سیمبر، معصومه؛ فهیمه رضائی تهرانی و زینب سادات هاشمی. (۱۳۸۲). نیازهای بهداشت باروری دانشجویان قزوین. **مجله علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین**. شماره ۲۸.
۱۴. صادقی، منصوره‌السادات و محمدعلی مظاهری. (۱۳۹۲). نقش نگرش خانواده، اعتقادات دینی و شناخت خود در شکل‌گیری دیدگاه دانشجویان نسبت به رابطه با جنس مخالف پیش از ازدواج بر اساس الگوی تحلیل گفتمان. **دوفصلنامه خانواده و جنسیت**. شماره ۱.
۱۵. صادقی، منصوره‌السادات؛ محمدعلی مظاهری و فرشته موتابی. (۱۳۸۹). نظام ایرانی کدگذاری مشاهده‌ای از تعاملات دو جانبه زوجین. **فصلنامه علمی پژوهشی خانواده‌پژوهی**. شماره ۲۳.

۱۶. صادقی، منصوره‌السادات و محمدعلی مظاهری و سعاده ملک‌عسگر. (۱۳۸۷). والدین، خود و دیگران مهم: منابع تصور از خدا. *مجله علوم رفتاری*. ۲ (۱).
۱۷. صبورپارسا، مریم و امیر طباطبایی. (۱۳۸۴) مذهب، ساختار خانواده و رفتار جنسی در یک جمعی دانشگاهی. مقاله ارائه شده در *دومین کنگره خانواده و مشکلات جنسی*. دانشگاه شاهد.
۱۸. فرهمند، زهره و شیرین احمدنیا. (۱۳۹۳). مطالعه جنسیتی رابطه شیوه همسرگزینی (سنتی و جدید) با رضایت زناشویی در خانواده‌های شهر شیراز. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*. سال دهم. شماره ۴۲.
۱۹. گرمارودی، غلامرضا؛ جلیل مکارم؛ شهره علوی و زینب عباسی. (۱۳۸۸). عادات پرخطر بهداشتی در دانش‌آموزان شهر تهران. *فصلنامه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی*. ۹ (۱).
۲۰. مظاهری، محمدعلی؛ منصوره‌السادات صادقی؛ ام‌لیلی نصرآبادی؛ فاطمه انصاری‌نژاد و مریم عباسی. (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج. *فصلنامه علمی - پژوهشی راهبرد فرهنگ*. ۲ (۵).
۲۱. مظاهری، محمدعلی؛ منصوره‌السادات صادقی؛ محمد روشن؛ کیومرث اشتریان؛ علی یاراحمدی؛ نفیسه حمیدی؛ راضیه امامی؛ فرشته موتابی؛ کارینه طهماسیان و لیلی پناغی. (۱۳۸۷). *سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای کاهش و کنترل طلاق در کشور*. طرح تحقیقاتی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی. چاپ شده در *پژوهشکده خانواده*.
۲۲. معدنی‌پور، علی؛ زهرا رستمی و مژگان معدن‌دار. (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی ارزش‌های تربیت فرزند در آسیای میانه، خاورمیانه و شمال آفریقا. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. دوره ششم. شماره ۲۴.
۲۳. معدنی‌پور، علی؛ زهرا رستمی و مژگان معدن‌دار. (۱۳۸۹). مطالعه تطبیقی ارزش‌های تربیت فرزند در آسیای میانه، خاورمیانه و شمال آفریقا. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. ۶ (۲۴).
۲۴. وکیلی، عارف و تقی آزادارمکی. (۱۳۸۹). خانواده ایرانی، فروپاشی یا تغییرات بنیادی: با بررسی نقش آموزش عمومی / همگانی در بهبود وضع موجود. *فصلنامه خانواده و پژوهش*. ۹ (۷).
۲۵. موسوی، سیداسماعیل؛ شکوه نوابی‌نژاد و محمدکاظم عاطف وحید. (۱۳۸۶). تأثیر روابط قبل از ازدواج بر تعارضات زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. *پژوهش‌های مشاوره*. شماره ۲۲.

26. Bauman, Z. (2003). *Liquid Love*. London: Polity Press.

27. Bracher, M.; G. Santow; S. Morgan. & J. Trusell. (1993). Marriage Dissolution in Australia: Models and Explanation. *Population Studies*. 47: 403-425 .

28. Berrington, A. & I. Diamond. (1997). Marital Dissolution among 1958 British Birth Cohort: the Role of Cohabitation. *Forthcoming in Population Studies*. 53: 127-138.

29. Brown, S.; A. Sanchez; S. Nock; J. Deines. & J. Wright. (2006). Links between Premarital Cohabitation and Subsequent Marital Quality, Stability, and Divorce: A Comparison of Covenant Versus Standard Marriage. *Social Science Research*. 35 (2): 454-470.

30. Buss, D. M.; T. K. Shackelford; L. A. Kirkpatrick. & R. J. Larsen. (2001). A Half Century



- of Mate Preferences: The Cultural Evolution of Values. *Journal of Marriage*. 63(2): 491-503.
31. Carpenter, L. M. (2001). The Ambiguity of "Having Sex": The Subjective Experience of Virginity Loss in the United States. *The Journal of Sex Research*. 38. 127-139.
32. DeMaris, A. & W. MacDonald. (1993). Premarital Cohabitation and Marital Stability: A Test of the Unconventionality Hypothesis. *Journal of Marriage and Family*. 55: 399-407
33. Eisenman, R. & M. L. Dantzker. (2006). Gender and Ethnic Differences in Sexual Attitudes at a Hispanic-serving University. *The Journal of General Psychology*. 133: 153-162.
34. Fowers, B.; K. Montel. & D. Olsone. (1996). Predicting Marital Success for Premarital Couple Types Based on Prepare. *Journal of Marital & Family Therapy*. 22 (1): 103-119.
35. Hewitt, B. & D. Vaus. (2009). Change in the Association between Premarital Cohabitation and Separation, Australia 1945-2000. *Journal of Marriage and Family*. 71: 353-361.
36. Jose, A.; D. O'Leary. & A. Moyer. (2010). Does Premarital Cohabitation Predict Subsequent Marital Stability and Marital Quality? A Meta-Analysis. *Journal of Marriage and Family*. 72 (1): 105-116.
37. Kamp Dush, C.; C. Cohan. & P. Amato. (2003). The Relationship between Cohabitation and Marital Quality and Stability: Changes Across Cohorts?. *Journal of Marriage and Family*. 65: 539-549.
38. Khalajabadi Farahani, F.; J. Cleland. & A. Mehryar. (2011). Associations between Family Factors and Premarital Heterosexual Relationships among Female College Students in Tehran. *Int Perspect Sex Reprod Health*. 37 (1): 9-30.
39. Kline, G. H.; S. M. Stanley; H. J. Markman; P. A. Olmos-Gallo; M. St. Peters; S. W. Whitton. & L. M. Prado. (2004). Timing Is Everything: Pre-Engagement Cohabitation and Increased Risk for Poor Marital Outcome. *Journal of Family Psychology*. 18(2): 311-318.
40. Locke, H. J. & K. M. Wallace. (1959). Short Marital Adjustment and Prediction Tests: Their Reliability and Validity. *Marriage and Family Living*. 21: 251-255.
41. Manning, W. D. & J. A. Cohen. (2012). Premarital Cohabitation and Marital Dissolution: An Examination of Recent Marriages. *Journal of Marriage and Family*. 74 (2): 377-387.
42. Mohammad, K.; F. Khalajabadi Farahani; M. R. Mohammadi; S. Alikhani; M. Zare; F. Ramezani Tehrani; A. Ramezankhani; A. R. Hassanzadeh. & H. Ghanbari. (2007). Sexual Risk-taking Behaviours among Boys Aged 15-18 Years in Tehran. *Journal of Adolescent Health*. 41(4): 47-14.
43. Nazio, T. (2008). *Cohabitation, Family & Society*. London: Routledge.
44. Nazio, T. & H. Blossfeld. (2003). The Diffusion of Cohabitation among Young Women in West Germany, East Germany and Italy. *European Journal of Population*. 19: 47-82.
45. Stanley, S.; R. Galena. & M. Howard. (2006). Sliding Versus Deciding: Inertia and the Premarital Cohabitation Effect. *Family Relations*. 55: 499-504.
46. Thomson, E. & U. Colella. (1992). Cohabitation and Marital Stability: Quality or Commitment?. *Journal of Marriage and Family*. 54(2): 259-267.
47. Tach, L. & S. Halpern. (2012). Marital Quality and Divorce Decisions: How Do Premarital Cohabitation and Nonmarital Childbearing Matter?. *Family Relations*. 61(4): 571-585.
48. Teachman, J. (2003). Premarital Sex, Premarital Cohabitation, and the Risk of Subsequent Marital Dissolution among Women. *Journal of Marriage and Family*. 65 (2): 444-455.
49. Wagner, M. & B. Weib. (2006). On the Variation of Divorce Risks in Europe: Findings from a Meta-Analysis of European Longitudinal Studies. *European Sociological Review*. 22: 483-500
50. Webster, P. S.; T. L. Orbuch. & J. S. House. (1995). Effects of Childhood Family Background on Adult Marital Quality and Perceived Stability. *American Journal of Sociology*. 101 (2): 404-432.
51. Weston, R.; L. Qu. & D. De Vaus. (2003). Premarital Cohabitation and Marital Stability. *A Paper Presented at the HILDA Conference, University of Melbourne*. Melbourne, Australia, 13<sup>th</sup> March.